

شناسایی و اولویت بندی استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)

جواد شکوهی^۱، حفصه رئیسی شهروی^۲ * و نورمحمد یعقوبی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۰ صص ۲۷۰-۲۴۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۴

چکیده

هدف اصلی پژوهش، شناسایی و اولویت بندی استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار است. ۳۷ استراتژی در قالب ۷ عامل شامل: عامل سیاستی، نهادی و قانونی، عامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی، عامل تسهیلات کسب و کار، عامل شبکه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، عامل صندوق‌ها و کانون‌ها، عامل حمایت‌های مشاوره‌ای و عامل خدمات رفاهی، مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه‌ی مربوطه، خبرگان و کارشناسان کمیته امداد استان سیستان و بلوچستان فعال در حوزه‌ی کارآفرینی اجتماعی زنان سرپرست خانوار می باشد که به علت محدود بودن جامعه آماری، نمونه‌گیری انجام نشد و از روش سرشماری، تعداد ۱۹ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین گردید. پس از جمع آوری داده ها به منظور تأیید مؤلفه‌ها و شاخص‌ها از آزمون دوجمله‌ای و نرم افزار اس پی اس استفاده شد و با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی الویت بندی عوامل صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل سیاستی، نهادی و قانونی از دید خبرگان در رتبه‌ی نخست عوامل مؤثر بر توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی زنان سرپرست خانوار است و عامل تسهیلات کسب و کار در رتبه‌ی دوم قرار گرفته، هم‌چنین از ۳۷ استراتژی تعیین شده، استراتژی‌های بیمه‌ی زنان سرپرست خانوار، پشتیبانی و خدمات بازاریابی محصولات و ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار، به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی اجتماعی، استراتژی‌های کارآفرینی اجتماعی، زنان سرپرست خانوار.

^۱ - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

^۲ - کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

^۳ - استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

*- نویسنده مسئول: h.raisi88@gmail.com

مقدمه

امروزه با افزایش سیستم اقتصاد جهانی که موجب ایجاد ثروت های کلان و گسترش تناقض های اقتصادی هم چون شکاف بین فقیر و غنی شده است، تغییرات اجتماعی گسترده ای را به همراه داشته و موجب مطرح شدن اندیشه های کارآفرینانه در حوزه ی مسائل اجتماعی شده است. در سال های اخیر کارآفرینی اجتماعی به عنوان منبع مهمی از ثروت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی شناسایی شده است (Urbano et al., 2010). این پدیده ی نو ظهور علمی در دنیا راه حلی برای تسهیل تغییرات اجتماعی و کمک به توسعه ی پایدار اجتماعی-اقتصادی در سطح کلان و افزایش بازدهی و پاسخ گویی سازمان های اجتماعی در سطح خرد شناخته می شود (Austin et al., 2007). هم چنین دولت ها از کارآفرینی اجتماعی با ایجاد چارچوب سازمانی جدید به منظور تشویق طرح های کارآفرینی اجتماعی جدیدو ارائه ی کمک های مالی به این طرح ها حمایت می کنند (Hill et al., 2010; Mair & Martí, 2006; Mort et al., 2003; Short et al., 2009).

در عصر حاضر با توجه به کمبود منابع و امکانات، رشد چشم گیر جمعیت، جوامع با مشکلات عدیده ای روبرو هستند که از این بین می توان به معضل بیکاری اشاره کرد. از آن جاکه وضعیت اشتغال زنان در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در وضعیت مطلوبی نیست، همواره زنان فرصت های شغلی کمتری دارند و غالباً در بخش غیر رسمی با اندک دستمزد مشغول به کارند (Narayan, 2001). زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی در جوامع، علاوه بر این که موضوع و هدف توسعه هستند، عامل مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه نیز هستند؛ بنابراین لازم است جهت نیل به توسعه ی پایدار به توانمندسازی آن ها توجه خاص مبذول شود (Ktabi et al., 2003). زنان سرپرست خانوار به دلیل عدم آشنایی با مهارت های اجتماعی، عدم دسترسی به منابع و در نتیجه کیفیت زندگی پایین و نیز با از دست دادن شبکه ی روابط و باگستردگی افراد تحت تکفل خود در معرض انواع آسیب های اجتماعی و روانی قرار دارند (Momeni Zadeh, 2014). بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار نشان داد که بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در ایران است که مجبورند برای فرزندانشان هم مادر باشند و هم پدر. با نگاهی به این ارقام غیر رسمی می توان به وضعیت این زنان و امکانات اندک آن ها برای زندگی پی برد. از میان این یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، ۲۵۵ هزار نفر (۲۱/۲۵٪) تحت پوشش سازمان بهزیستی و حدود ۵۰۰ هزار نفر (۴۱/۶۶٪) تحت پوشش کمیته امداد هستند و لذا تنها ۷۵۵ هزار نفر (۶۲/۹۱٪) از زنان سرپرست خانوار در ایران تحت پوشش سازمان های دولتی قرار دارند. این در حالی است که بسیاری از این افراد در فقر شدید به سر برده و میزان مستمری و کمک های دریافتی آن ها در حد بسیار پایین قرار دارد (Ahmadpour, 2003). در ایران شاخص های آماری نشان می دهند که رشد زنان سرپرست خانوار در حال افزایش

است، به طوری که در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، و ۱۳۸۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷/۳، ۷/۱، ۸/۴ و ۹/۵ از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده اند و این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۱۲/۱ درصد رسید. این در حالی است که در خانوارهای مرد سرپرست، سیر کاهشی وجود دارد (۹۲/۷ در سال ۱۳۵۵ به ۸۷/۹ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است). از سوی دیگر، براساس آمار سازمان بهزیستی کشور، طی ۱۰ سال گذشته (۸۵-۱۳۷۵) هر ساله ۶۰۳۰۰ نفر به جمعیت زنان سرپرست خانوار اضافه شده است (Nazoktabar & NamdarAliabadi, 2011). مطالعات در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد که این قشر از جامعه با مصایب، مشکلات و موانع زیادی هم در سطح فردی و هم در سطح کلان مواجهند (Arias & Palloni, 1996).

وفاق عمومی که بر سر مسأله‌ی آسیب پذیر دانستن زنان سرپرست خانوار وجود دارد، موجب شده که بسیاری از دستگاه‌های محلی، ملی و جهانی، خود را دست اندرکار گره‌گشایی از مسائل این زنان و خانواده‌های آنان بدانند و در جهت تواناسازی آنان و حمایت از ایشان تا رسیدن به سطح اقتصادی و اجتماعی مطلوب فعالیت کنند. یکی از فعالیت‌های عمده‌ای که در این زمینه در برخی از کشورها صورت گرفته کارآفرینی اجتماعی است که در توانمندسازی زنان مؤثرند (Moyedfar & Hamidi, 2007). در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی نزدیک به موضوع پژوهش و شناخت عوامل و زیرمعیارهای مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی به طور خلاصه اشاره می‌گردد:

ترابی مومن و همکاران (Torabi Momen et al., 2017) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثربخشی مداخله مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد توسعه بر توانمندسازی روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه رسیدند که برگزاری جلسات مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد توسعه بر توانمندسازی روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار مؤثر است.

توفقیان فر و همکاران (Tofighian Far et al., 2016) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه رسیدند که متغیر خدمات آموزشی، فنی و مشاوره‌ای و متغیر حمایتی بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی زنان داشته‌اند.

افشانی و فاتحی (Afshani & Fatehi, 2016) در پژوهشی تحت عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه‌ی زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) شهر تبریز» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی، حمایت اجتماعی، سلامت عمومی و تغذیه دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار با مقدار توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است.

مرجانی و صدری (Marjani & Sadri, 2014) در پژوهشی تحت عنوان «توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی؛ آسیب‌ها، عوامل مؤثر و راهکارها» که با هدف بررسی کارآفرینی اجتماعی در یکی از

مناطق شهری شهر تهران براساس طرح پژوهش آمیخته (کیفی و کمی) انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که پنج عامل: اقدام‌های سیاستی، نهادی و قانونی-آموزش و اطلاع‌رسانی-تسهیلات کسب و کار-شبکه‌ها، سازمان‌های غیردولتی-صندوق‌ها و کانون‌ها از عوامل تأثیرگذار در توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی هستند.

آراستی و ملکی کرم آباد (Arasti & Maleki Karamabad, 2014) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل نهادی رسمی و غیررسمی تأثیرگذار بر اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی اجتماعی توسط زنان» که با استفاده از روش پژوهش کیفی از طریق مصاحبه که با ۸ زن کارآفرین اجتماعی در شهر تهران انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که شبکه‌های اجتماعی از عوامل نهادی غیررسمی و مکانیزم‌های حمایتی از عوامل نهادی رسمی بر پیاده‌سازی فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی اجتماعی زنان مؤثر است.

رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2013) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مشکلات زنان سرپرست خانواده استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۹» انجام دادند به این نتایج دست یافتند که زنان سرپرست خانوار بسیار آسیب پذیرند، آن‌ها با مشکلات بسیاری رو به رو هستند، به همین دلیل توجه و رسیدگی به آنان از وظایف مهم دولت، نهادهای خصوصی و تک تک مردم است. کمک‌رسانی به آن‌ها چیزی فراتر از کمک‌های مالی را در بر می‌گیرد. توانمندسازی و مهارت‌آموزی زنان سرپرست خانوار، یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن است.

آراستی و همکاران (Arasti et al., 2013) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سیاست‌های تنظیمی توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد تطبیقی» که براساس تحقیق کیفی و با رویکرد مقایسه‌ی تطبیقی در ۶ کشور ژاپن، آمریکا، سوئد، بریتانیا، استرالیا و تایوان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های مالی، برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، اصلاح قوانین و ساختارهای اداری و حمایت‌های مشاوره‌ای از سیاست‌های تنظیمی مؤثر در این شش کشور در توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی است.

عباس‌پور (Abbaspour, 2013) در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در راستای ارتقاء توانمندسازی زنان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی(ره) شهرستان زاهدان» که با نمونه آماری ۳۲۲ نفر از زنان تحت پوشش کمیته امداد شهرستان زاهدان، از طریق پرسش‌نامه و با کمک نرم افزار spss و با استفاده از روش آزمون فریدمن انجام داده بود، برای استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی ۹ عامل مطرح شده که شامل: آموزش عمومی و کارآموزی، آموزش کارآفرینی و خودکفایی، اعتبار خرد و تسهیلات ارزان

قیمت، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی، شبکه سازی در قالب تعاونی، سرمایه‌ی اجتماعی، مشاوره‌ی شغلی، مشاوره‌ی فرهنگی و اجتماعی و خدمات رفاهی می باشد.

یادگار و همکاران (Yadegar et al., 2011) در پژوهشی تحت عنوان «فرایند شکل‌گیری ابتکارات کارآفرینانه‌ی اجتماعی: الگوی برگرفته از نظریه‌ی برخاسته از داده‌ها» که با مصاحبه‌های عمقی با ۹ کارآفرین اجتماعی انجام داده بودند، بیان می نمایند که توسعه‌ی برنامه‌های داوطلبانه، دوره‌های کارآموزی مدارس و دانشگاه‌ها در موسسه‌های اجتماعی می تواند از عوامل تاثیرگذار بر کارآفرینی اجتماعی باشد.

شاهنده و همکاران (Shahandeh et al., 2006) در پژوهشی تحت عنوان «تشکیل گروه‌های خودیار زنان سرپرست خانوار در منطقه‌ی ۱۷ شهرداری تهران، گامی در جهت توانمندسازی زنان» که یک مطالعه‌ی کیفی بوده و بر اساس پژوهش مشارکتی مبتنی بر جامعه انجام گرفت. جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش، ۳۰ نفر از زنان سرپرست خانوار یا خود سرپرست ساکن در منطقه ۱۷ شهرداری بودند. یافته‌های این پژوهش ضمن شناسایی زنان سرپرست خانوار و کلیه‌ی نهادها و سازمان‌های مرتبط به عنوان عوامل زمینه ساز جهت فراهم کردن فرصت‌ها برای زنان تحت مطالعه، ترغیب و جلب همکاری مستمر ذی‌نفعان در فرایند توانمندسازی را نشان می‌دهد.

طباطبایی و حسینیان (Tabatabaei & Hosseinian, 2005)، در پژوهشی با عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره‌ی گروهی، آگاه سازی و کارآفرینی» به بررسی اثرات آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی)، کارآفرینی و مشاوره گروهی بر عزت نفس و کارآفرینی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران پرداخته اند. نمونه‌ی مورد مطالعه، ۱۹۳ نفر از زنان ۵۸-۱۸ بودند که از مجتمع‌های واقع در دو منطقه‌ی شرق و غرب بهزیستی شهرستان تهران بودند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که برنامه‌ی مشاوره‌ی گروهی بر عزت نفس زنان سرپرست خانوار (بی سرپرست و بدسرپرست) تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی آگاه سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی بر عزت نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانوار مؤثر است.

کتابی و همکاران (Ktabi et al., 2003)، در تحقیقی با عنوان «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» به بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان پرداخته‌اند. این پژوهش به روش پیمایشی تحلیلی درباره‌ی ۳۸۰ زن ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن در مناطق ده‌گانه‌ی شهر اصفهان انجام شده است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که عواملی هم‌چون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی، عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند.

ریبس جینر و همکاران (Ribes-Giner et al., 2018) در پژوهشی تحت عنوان «شرایط اقتصادی و اجتماعی داخلی در توانمندسازی کارآفرینی زنان» نشان دادند که ترکیبی از شرایط

خوب ریسک در کشور و حضور کم زنان در موقعیت‌های قدرت باعث افزایش کارآفرینی در زنان می‌شود.

چیا و همکاران (Chia et al., 2017) در مقاله‌ای تحت عنوان «خانواده‌های سرپرست خانوار و شرایط زندگی در آمریکای لاتین» به بررسی افزایش زنان سرپرست خانوار د آمریکای لاتین و ارتباط آن با تغییر شرایط زندگی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که سیاست‌گذاران باید شرایط و فرصت‌هایی را برای حمایت زنان در نظر بگیرند.

کاندیدا و همکاران (Candida et al., 2017) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل سرمایه‌ی انسانی و زمینه‌ی بر کارآفرینی زنان: کدام مهم‌تر است؟» به بررسی این که آیا عوامل انسانی (آموزش و توانایی) و یا عوامل زمینه‌ی (مسائل اقتصادی و سیاسی) باعث تفاوت بین کارآفرینان زن و مرد می‌شود، می‌پردازند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مشارکت اقتصادی زنان و سرمایه انسانی هر دو نقش تعیین کننده در راه اندازی زنان کارآفرین دارد.

مارین و همکاران (Marian et al., 2016) در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی زنان در کشورهای ویسگراد: شواهدی از GEM» به بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای ویسگراد (جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی و لهستان) پرداختند. نتایج نشان داد که عوامل فردی و نگرش اجتماعی عوامل مهم در ارائه‌ی کارآفرینی زنان می‌باشد.

فری و اربانو (Ferri & Urbano, 2011) در پژوهشی تحت عنوان «کارآفرینی اجتماعی و عوامل زیست محیطی: نسبت متقابل کشورها» که با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی در ۴۹ کشور انجام داده بودند، به این نتیجه رسیدند که دسترسی به منابع مالی، اثربخشی دولت و سطح بالای آموزش و پرورش از عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی هستند.

اربانو و همکاران (Urbano et al., 2010) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی کارآفرینی اجتماعی از دیدگاه سازمانی: شواهدی از اسپانیا»، شبکه‌های اجتماعی و مکانیزم‌های حمایتی بر اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی تأثیرگذار شناخته شدند.

لیروی (Le Roy, 2004) در پژوهشی با عنوان «فقر و رفاه در نیوزلند» به بررسی مشکل‌های مادران خانواده‌های تک‌والدی پرداخت و چنین نتیجه گرفت که مادران و فرزندان خردسال آنان بیش از سایر اقشار، مستعد فرو رفتن در دام فقر هستند، بنابراین بیش از سایر اقشار نیاز دارند تا مورد حمایت‌های بیمه‌ای و خدمات تأمین اجتماعی باقی بمانند.

در کشور ما به دلیل وجود مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی و نبود بخش دولتی انعطاف پذیر در حل مشکلات زنان سرپرست خانوار و نیز رویکرد سنتی و غیر کارآفرینانه در سازمان‌های مردم نهاد و خیریه (Arasti & Maleki Karamabad, 2014)، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به عنوان راهی

برای عبور از مشکلات ضروری جامعه مطرح شود و در این میان، توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار می‌تواند موجبات توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور را فراهم کند. در کشور ما نیز براساس آمارگیری‌های رسمی نرخ مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری ۱۵ درصد و در مناطق روستایی ۱۹ درصد است (Sharifi et al., 2010). براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، سرپرست ۱۲ درصد خانوارهای ایرانی زن هستند. از طرفی ۸۲ درصد زنان سرپرست خانوار بیکار هستند. در این میان استان سیستان و بلوچستان پرجمعیت‌ترین استان دارای زنان سرپرست خانوار است که اکثریت زنان سرپرست خانوار این استان، بی‌سواد و یا کم‌سواد هستند. بر اساس همین گزارش، کمترین درآمد زنان سرپرست خانوار مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. زنان در استان سیستان و بلوچستان براساس سابقه‌ی بافت فرهنگی این منطقه بیشتر مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و توجه کمتری به نقش آنان در توسعه‌ی استان شده است. پدیده‌ی خانوارهای با سرپرست زن به دلایل گوناگون در دنیا رو به افزایش است. بیشتر این خانواده‌ها دارای مشکلات فراوان هستند، به گونه‌ای که فزونی این گروه از زنان به صورت یک مشکل اجتماعی مطرح می‌شود. کارآفرینی اجتماعی پدیده‌ای وابسته به زمینه است؛ بنابراین، برای توسعه‌ی آن در هر زمینه‌ی خاص فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، بایستی ابتدا شناختی از فرایندها، سازوکارها و عناصر خاص این پدیده انجام شود. با وجود اهمیت این موضوع، خلاء شناختی عمده‌ای در زمینه‌ی کارآفرینی اجتماعی کشور موجود است که موجب شده، این پدیده در داخل کشور تقریباً ناشناخته باقی بماند. از طرفی در کشور ما به دلیل وجود مسائل و مشکلات عدیده‌ی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار و عدم کارایی دولت در حل آن‌ها و همچنین عدم وجود بخش‌های خصوصی و انتفاعی که به این مشکلات و مسائل رسیدگی کنند، توجه به کارآفرینی اجتماعی به عنوان راهی برای عبور از مشکلات زنان سرپرست خانوار که توسط دولت و بخش‌های خصوصی بر طرف نشده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین این پژوهش با هدف پر کردن این خلاء شناختی و ایجاد پیش‌آیندهای نظری برای توسعه‌ی این پدیده در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اساسی است:

۱. عوامل و زیرمعیارهای مؤثر بر توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار کدامند؟
۲. رتبه بندی عوامل و زیرمعیارهای مؤثر بر توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار چگونه است؟

چارچوب مفهومی پژوهش برابر شکل شماره‌ی یک شامل ۷ مؤلفه در قالب ۳۷ شاخص می باشد که در ادامه به هریک از مؤلفه‌های اصلی مدل پرداخته می شود.

۱. عوامل سیاستی، قانونی و نهادی

اصولا دولت‌ها در راستای سیاست‌های کلی خود و از طریق تدوین قانون به تعیین ضوابط نظام اقتصادی می‌پردازند. بنابراین محیط هنجاری یک کشور می تواند انگیزه و امکانات افراد را برای تبدیل شدن به یک کارآفرین بهبود بخشد. در زمانی که حتی سایر شرایط برای فرد فراهم باشد زمانی می‌تواند به نحو عالی عمل نماید که پیچیدگی و دست و پا گیر بودن قوانین در اعمال وی کاسته شود. اصلاح ساختارهای قانونی و شفاف نمودن آن می تواند روابط فعال کارآفرین را با سطح سیاسی به طرز مؤثری بهبود بخشد (Ahmadpour Daryani & Faeiz, 2001). با آگاهی از نیازهای کارآفرینان و مشاغلی که نیاز به حمایت دارند، به نظر می‌رسد که دولت در بهترین موقعیت برای تعیین سیاست و طراحی برنامه‌ها با هدف تشویق کارآفرینی باشد، دولت از طریق اعمال خط مشی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات، می‌تواند موجب شکوفایی کارآفرینی شود، سازمان‌های زیادی در بخش دولتی با پروژه‌ها و برنامه‌هایی برای کمک در ایجاد مؤسسات جدید وجود دارند دولت می‌تواند محیط شغلی مناسبی را برای شروع فعالیت و مدیریت کارآفرینان ایجاد نماید. حمایت‌های دولتی از توسعه‌ی کارآفرینی در جوامع، براساس مجموعه سیاست‌های هماهنگ و مرتبط انجام می‌گیرد که می‌توان از آن به عنوان استراتژی توسعه کارآفرینی نیز یاد کرد (Miltu Salazar JR et al., 2001). کارآفرینان عاملان اصلی تغییر هستند که به محرکه‌ای جاافتاده در چارچوب نهادی واکنش نشان می‌دهند. سازمان‌ها انعکاس دهنده‌ی فرصت‌هایی هستند که نهادها ایجاد می‌کنند. تحول نهادی، حاصل تعامل میان سازما‌ها و نهادهاست. هزینه‌های تعیین و تنفیذ قراردادها و هزینه‌های کسب اطلاعات درباره‌ی شرایط بازار، بر کیفیت نهادها اثر می‌گذارد و کیفیت نهادها نیز فعالیت کارآفرینی را تحت الشعاع قرار می‌دهد (Padash & Nikonesbati, 2011).

۲. عوامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی

آموزش به عنوان جوهره‌ی کارآفرینی و یکی از عوامل کلیدی و رمز پیشرفت و حتی بقای سازمان‌های نوین است (Tavakoli Moghadam et al., 2008). آموزش کارآفرینی فرایندی نظام مند، آگاهانه و هدف‌گراست که طی آن، افراد غیرکارآفرین ولی دارای توان بالقوه، به صورتی خلاق تربیت می‌شوند در واقع، این نوع آموزش فعالیت‌هایی به شمار می‌رود که از آن برای انتقال

دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه اندازی و اداره کسب و کار استفاده شده و می تواند منجر به بهبود و توسعه ی نگرش ها، مهارت ها و توانایی های افراد غیرکارآفرین شود به طور کلی، آموزش کارآفرینی به شکل قابل توجهی در بهبود نگرش کارآفرینانه افراد و در نتیجه افزایش احتمال کارآفرین شدن آن ها مؤثر می باشد صرف نظر از اهمیت آموزش های کارآفرینی، آنچه مسلم است، با توجه به گستردگی موضوعی و محتوایی این آموزش ها و مهارت های مختلف مورد نیاز افراد برای راه اندازی، مدیریت و توسعه کسب و کارهای جدید آموزش های کارآفرینی زمانی از اثربخشی و کارایی لازم برای پرورش افراد کارآفرین برخوردار خواهند بود که بتوانند به شیوه ی مناسبی به نیازهای آموزشی افراد در زمینه های مختلف مرتبط با کارآفرینی پاسخ دهند (Rezaei et al., 2012).

۳. عامل تسهیلات کسب و کار

اقدام به کارآفرینی اصولا با کسب و کار همراه است؛ بنابراین سختی یا آسانی راه اندازی کسب و کار، از جمله عوامل مؤثر بر توسعه ی کارآفرینی است (Seyyedi & Khani, 2011). کشورها می توانند از طریق تنظیم برنامه های مالی ویژه، کارآفرینان و برنامه های کارآفرینی را حمایت کنند. این مهم از طریق برنامه های کاهش مالیاتی، پرداخت وام های ضروری صورت می پذیرد. کارآفرینی تنها به فعالیت مخاطره آمیز مستقل منحصر نمی شود، بلکه علاوه بر آن، سازمان کارآفرینانه و مجموعه های سازمانی را در بر می گیرد. بنابراین اقدامات حمایتی می تواند شامل اعطای تسهیلات به شرکت های کسب و کار دارای رشد ویژه، اعطای تسهیلات و کمک های مالی از طریق اعطای زمین و ساختمان به کارآفرینان، اعطای تسهیلات به شرکت های در حال راه اندازی باشد. چنین برنامه ها و امتیازاتی فرصت را برای کارآفرینان فراهم می نماید تا به فرصت ها و موقعیت هایی که نیاز به ریسک مالی دارد اقدام نمایند. حمایت های مالی در سراسر دنیا به ویژه برای شرکت های کارآفرین امری معمول و متداول است (Benevento, 1998).

۴. عامل شبکه ها، سازمان های غیردولتی

عبارت سازمان های غیردولتی برای سازمان هایی به کار برده می شود که بیشتر، خدمات اجتماعی ارائه می دهند تا به دنبال سودآوری باشند. این سازمان ها تأسیس شده اند تا نیازهایی را برآورده سازند که توسط شرکت های تجاری یا سازمان های انتفاعی برآورده نمی شود. این سازمان ها مالک ندارند و نمی توان مالکیت آن ها را فروخت. اگر درآمد این سازمان ها از هزینه هایشان بیشتر شود، این پول مازاد در راستای اهداف اجتماعی صرف خواهد شد. این سازمان ها مستقیما به اعضایشان سود نمی رسانند و نمی توان آن ها را سودآور دانست (Lisetchi & Branca, 2014).

سازمان‌های غیردولتی برخلاف بخش خصوصی به استقبال از خطر می‌روند و شکاف بین دولت و بخش خصوصی را پر می‌کنند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی مشوق مناسبی برای همکاری بخش خصوصی و دولتی برای ارائه‌ی خدمات عمومی است (Erick & Solana, 2014).

۵. عامل صندوق‌ها و کانون‌ها

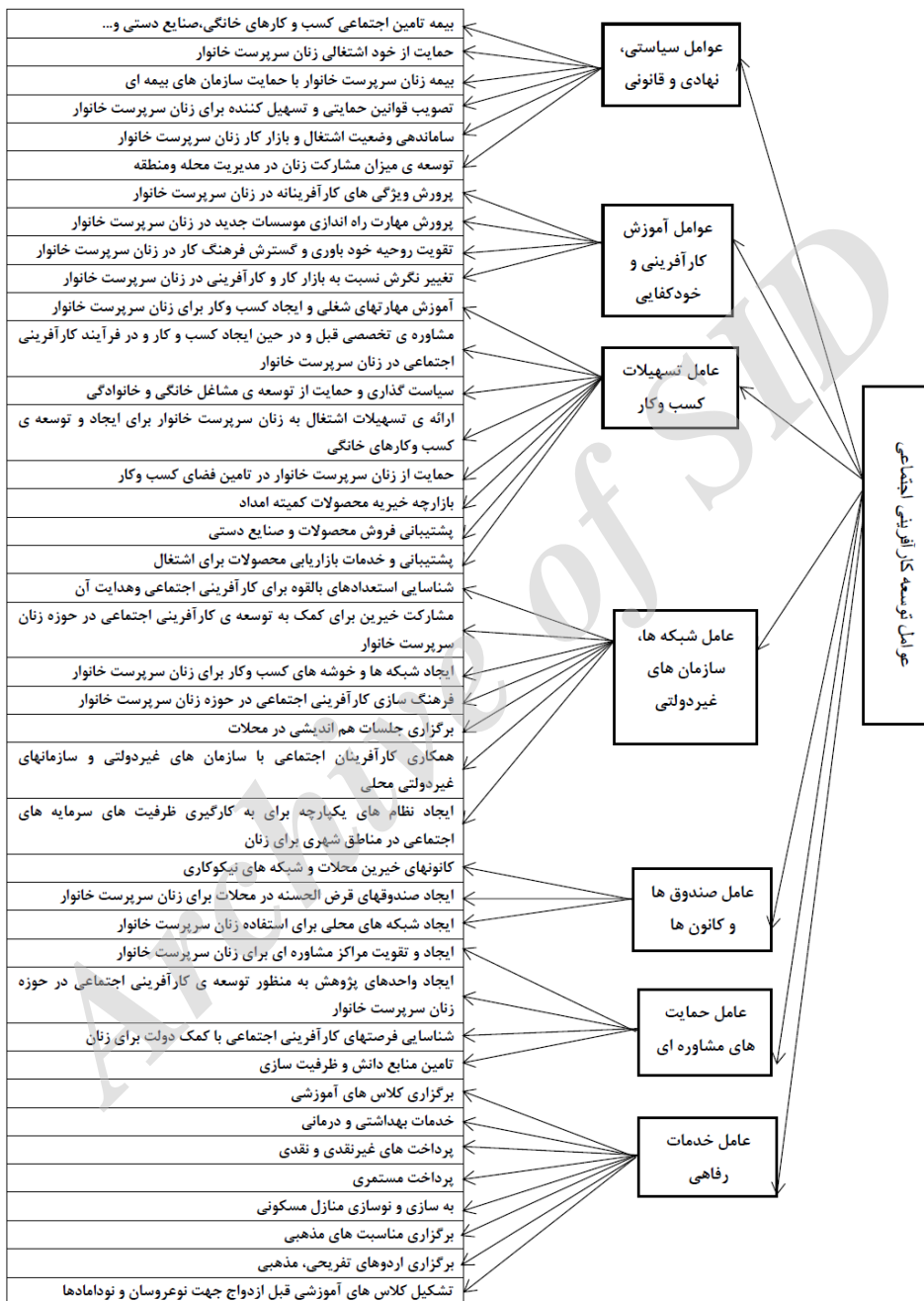
فرآیند تشکیل صندوق اعتبارات از ابتدا با رویکرد جلب مشارکت مردم در امر برنامه‌ریزی و توانمندسازی آنان همراه است. در این صندوق‌ها هدف آن است تا با بهره‌گیری از فرهنگ همیاری و کمک به هم‌نوع و نهادینه کردن فرهنگ پس انداز و به کارگیری آن در فعالیت‌های اقتصادی، زمینه مساعدتری برای انجام فعالیت‌های اقتصادی از طریق ایجاد سرمایه فراهم شود. از طرفی بررسی تعداد و مبالغ وام‌های پرداختی توسط این صندوق‌ها نشان می‌دهد که این صندوق‌ها با به کارگیری ساز و کار مشارکتی و بدون کمترین هزینه حجم بالایی از کار را از دوش مؤسسات رسمی مثل بانک‌ها برداشته‌اند و در کنار تأمین سرمایه از محل پس اندازهای ناچیز به پس انداز ملی و افزایش بهره‌وری کمک نموده‌اند (Namjouyan Shirazi, 2014).

۶. عامل حمایت‌های مشاوره‌ای

امروزه کشورهای مختلف، تلاش‌هایشان را برای بهبود درک افراد از فرآیندهای راه اندازی یک کسب و کار آغاز کرده‌اند. در این راستا یکی از اقدامات انجام شده، ارائه‌ی برنامه‌های مختلف خدمات مشاوره‌ای به کسب و کارهای کوچک است. و هم‌چنین ایجاد واحدهای پژوهشی در زمینه‌ی کارآفرینی نیز کمک شایانی در شروع یک کسب و کار به کارآفرینان خواهد نمود (Fadaei, 2013). دولت در این زمینه از طریق سیاست‌گذاری‌های صحیح می‌تواند از کسب و کارهای تازه تأسیس از طریق مشاوره که موجبات رشد و افزایش تعداد کسب و کارهای جدید را فراهم می‌سازد حمایت نماید (Atardiyan, 2013).

۷. عامل خدمات رفاهی

قبل از این‌که مردم بتوانند کاری را شروع کنند، باید دارای سرمایه، تکنولوژی، تحصیلات لازم برای تولید کالا و نیروی کار مناسب باشند. بسیاری از کارشناسان براین باورند که با فراهم کردن عوامل و پیش نیازهای رشد می‌توان توسعه را سرعت بخشید. دولت می‌تواند محیط شغلی و خدمات رفاهی مناسبی برای شروع فعالیت‌ها و مدیریت کارآفرینان ایجاد نماید (Jazini & Babaye Nejad, 2014).



شکل ۱- درخت سلسله مراتب تصمیم استراتژی های توسعه ی کارآفرینی اجتماعی (مدل مفهومی تحقیق)

روش پژوهش و ابزار پژوهش

این پژوهش بر حسب روش گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی، از نوع پیمایشی است؛ چراکه در این پژوهش به تشریح و توصیف استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار در چارچوب یک مدل پرداخته شده است. از آن‌جا که شناسایی و اولویت بندی این استراتژی‌ها می‌تواند در خصوص زنان سرپرست خانوار مورد استفاده قرار گیرد، در زمره‌ی پژوهش‌های کاربردی بر مبنای هدف قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۹ نفر از اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه‌ی مربوطه و خبرگان و کارشناسان کمیته امداد استان سیستان و بلوچستان فعال در حوزه‌ی کارآفرینی اجتماعی زنان سرپرست خانوار می‌باشد. به علت محدود بودن جامعه آماری، نمونه‌گیری انجام نشد و از روش سرشماری، استفاده گردید. با توجه به این‌که خبرگان این پژوهش کسانی باید باشند که دارای دانش و تجربه‌ی کافی در خصوص کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی می‌باشند، اساتید دانشگاه و کارشناسان و مدیران ارشد و سابقه‌ی حوزه‌ی منابع انسانی و کارآفرینی به عنوان خبرگان در نظر گرفته شده است. افراد مورد نظر با برخورداری از شرایط زیر انتخاب و پالایش شده اند:

- از اعضای هیأت علمی، دارای مدرک دکتری مدیریت و دارای سابقه تدریس، پژوهش و طرح تحقیقاتی در حوزه‌ی کارآفرینی باشند که در همین راستا با بررسی به عمل آمده، تعداد ۹ نفر از اساتید دانشگاه سیستان و بلوچستان به عنوان جامعه آماری تعیین گردید.
- دارای حداقل مدرک کارشناسی و فعال یا داشتن سابقه‌ی فعالیت در حوزه‌ی کارآفرینی و مشاغل زنان سرپرست خانوار باشند که در همین راستا با بررسی به عمل آمده، تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان کمیته امداد استان سیستان و بلوچستان به عنوان جامعه آماری تعیین گردید.

ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه بوده است، بدین منظور، دو پرسش‌نامه تهیه گردید. پرسش‌نامه‌ی اول جهت تأیید مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق (برگرفته از ادبیات تحقیق) دارای ۴۴ سؤال با طیف پنج تایی لیکرت است. سپس پرسش‌نامه‌ی دوم به منظور رتبه بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و کسب نظرات در ماتریس مقایسه‌های زوجی که شامل ۸ ماتریس به صورت طیف نه تایی بوده، تنظیم گردید. این پرسش‌نامه طوری طراحی گردیده بود که به پاسخ‌دهندگان این امکان را می‌داد تا با مقایسه‌ی زوجی معیارها و زیرمعیارها در گروه خودشان، اهمیت هر یک از آن‌ها را مشخص کنند. هر دوی پرسش‌نامه‌ها محقق ساخته می‌باشد.

روایی هر دو پرسش‌نامه به روش روایی محتوا با دریافت نظرات اصلاحی اساتید دانشگاهی و صاحب‌نظران تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به متفاوت بودن دو پرسش‌نامه پایایی پرسش‌نامه اول به روش ضریب آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۸۰۸ مورد تأیید قرار گرفت. بمنظور سنجش پایایی

پرسش‌نامه‌ی دوم (مقیاسات زوجی) از نرخ ناسازگاری (که بایستی مقدار آن کمتر از ۰,۱ باشد) برابر جدول شماره‌ی ۲ استفاده گردیده است. با توجه به شاخص‌های CRm و CRg در صورتی که هر دوی این شاخص‌ها کمتر از ۰/۱ بودند، ماتریس فازی سازگار است. در صورتی که هر دو بیشتر از ۰/۱ بودند، از تصمیم‌گیرنده تقاضا می‌شود تا در اولویت‌های ارائه شده تجدیدنظر نماید و در صورتی که تنها CRm یا CRg بیشتر از ۰/۱ بود، تصمیم‌گیرنده تجدید نظر در مقادیر میانی (حدود) قضاوت‌های فازی را انجام می‌دهد (Zanjirchi, 2011). پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها در قالب گویه‌های کلامی، بایستی پاسخ‌های مذکور به مقیاس فازی تبدیل شوند. مقیاس مورد استفاده در این پژوهش مقیاس فازی ۹ تایی (جدول شماره ۱) است که کائول و ورما بر اساس مقیاس ساعتی پیشنهاد کرده‌اند. تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ی اول با استفاده از آزمون دوجمله‌ای و پرسش‌نامه‌ی دوم با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی انجام شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا بررسی و مطالعه‌ی مبانی نظری به منظور تعیین استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار، به عنوان اولین مرحله‌ی مورد توجه قرار گرفت. بر همین اساس ۳۷ استراتژی در قالب ۷ عامل شناسایی و به عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی محقق، جهت نظرخواهی از خبرگان ارائه گردید. بدین منظور پرسش‌نامه محقق ساخته اول تهیه و توزیع گردید. این پرسش‌نامه میزان موافقت خبرگان با مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. پرسش‌نامه به صورت طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از کاملا مخالفم تا کاملا موافقم، با ۴۴ سؤال تهیه و توزیع گردید. سپس اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون دوجمله‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت تا مشخص شود که به نظر خبرگان چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی تأیید و کدام‌ها رد شده‌اند. نظر به این‌که پاسخ این پرسش‌نامه، با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تعیین گردیده است، به همین دلیل برای مشاهده‌ی میزان موفقیت، میانه‌ی این طیف، یعنی عدد ۳ در نظر گرفته شد. مقادیر کوچکتر از ۳ شکست (نامطلوب) و ارقام بزرگتر و مساوی ۳ موفقیت (مطلوب) تفسیر شد. در آزمون دوجمله‌ای مورد استفاده، با قرار دادن فرض صفر $P \leq 0.5$ به دنبال تفکیک عوامل بودیم، در واقع آزمون دوجمله‌ای که فرض صفر آن $P \leq 0.5$ باشد، عواملی را که نسبت تعداد پاسخ‌های بالاتر از ۳ به پاسخ‌های پایین‌تر از ۳ آن‌ها از ۰,۵ (نصف) بیشتر باشد، به عنوان با اهمیت و بقیه را به عنوان عوامل بدون اهمیت شناسایی می‌کند. برابر نتایج آزمون دوجمله‌ای، تمام مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی به دلیل آن‌که مقدار Sig آن‌ها بیشتر از ۰,۰۵ بوده مورد تأیید قرار گرفتند که مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهایی در شکل شماره‌ی ۱

نشان داده شده است. در مرحله‌ی دوم، عوامل شناسایی شده از طریق پرسش‌نامه و با کمک تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی، بر اساس سؤالات تحقیق، رتبه‌بندی شده‌اند. بدین منظور ابتدا ساختار سلسله مراتبی استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی برابر شکل ۱ ترسیم شده است.

جدول ۱- طیف فازی و عبارت کلامی متناظر

کد	عبارات کلامی	عدد فازی	کد	عبارات کلامی	عدد فازی
۱	اهمیت برابر	(1,1,1)	۶	اهمیت زیاد تا خیلی زیاد	(5,6,7)
۲	اهمیت کم تا متوسط	(1,2,3)	۷	اهمیت خیلی زیاد	(6,7,8)
۳	اهمیت متوسط	(2,3,4)	۸	اهمیت خیلی زیاد تا کاملاً زیاد	(7,8,9)
۴	اهمیت متوسط تا زیاد	(3,4,5)	۹	اهمیت کاملاً زیاد	(8,9,10)
۵	اهمیت زیاد	(4,5,6)			

فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی

تحلیل سلسله مراتبی (AHP) که توسط توماس ال. ساعتی در دهه‌ی ۱۹۷۰ ارائه شد، از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین فنون تصمیم‌گیری چندشاخصه است. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است. فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP) عبارت است از فازی سازی روش AHP کلاسیک با استفاده از اعداد و محاسبات فازی (Azar & Faraji, 2010). برای برخورد با ابهام موجود در نظرات انسان‌ها، پروفسور لطفی زاده در سال 1965، نظریه‌ی مجموعه‌های فازی را ارائه داد تا عدم قطعیتی که به علت ابهام و عدم دقت در رویدادها ایجاد شده است را به مدل درآورد. چانگ در سال ۱۹۹۲ روشی بسیار ساده را برای بسط فرایند تحلیل سلسله مراتبی به فضای فازی ارائه داد. این روش که مبتنی بر میانگین حسابی نظرات خبرگان و روش نرمالایز ساعتی و با استفاده از اعداد مثلثی فازی توسعه داده شده بود، مورد استقبال محققین قرار گرفت (Zanjirchi, 2011).

مراحل انجام این روش به قرار زیر می‌باشد (Zanjirchi, 2011):

مرحله ۱؛ ترسیم درخت سلسله مراتبی: ابتدا ساختار سلسله مراتبی تصمیم با استفاده از سطوح هدف، معیار و زیرمعیارها ترسیم می‌شود. مرحله ۲؛ تشکیل ماتریس مقایسات زوجی: ماتریس‌های

توافقی، مطابق با درخت تصمیم و با استفاده از نظرات خبرگان را تشکیل داده و سپس نرخ ناسازگاری مطابق روش گوگوس و بوچر (1998) محاسبه می گردد.

مرحله ۳؛ محاسبه‌ی میانگین حسابی نظرات

مرحله ۴؛ محاسبه‌ی مجموع عناصر سطر

مرحله ۵؛ نرمالایز کردن اوزان سطرها

مرحله ۶؛ تعیین درجه‌ی احتمال بزرگتر بودن

مرحله ۷؛ نرمالایز کردن بردار اوزان

مرحله ۸؛ ترکیب اوزان به منظور به دست آوردن اولویت‌ها

محاسبات فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی با استفاده از روش چانگ

با استفاده از ساختار سلسله مراتبی (شکل شماره ۲) و با دنبال کردن گام‌های فرآیند فازی که در بالا به آن اشاره شد، نخست نظرات خبرگان (از طریق تبدیل عبارات کلامی به اعداد مثلثی فازی با توجه به جدول شماره ۲) تجمیع، و ابتدا به منظور اطمینان از سازگاری ماتریس‌ها، نرخ ناسازگاری (جدول شماره ۳) مطابق روش گوگوس و بوچر (1998) محاسبه و سپس وزن هر یک از معیارهای سطوح دو و سه ساختار سلسله مراتبی، محاسبه می‌شود.

جدول ۲- نرخ ناسازگاری ماتریس‌های تجمیع شده

نرخ ناسازگاری		سطوح ساختار
		سلسله مراتب
شاخص CR ^m	شاخص CR ^g	عنوان ماتریس‌های تجمیع شده
۰,۰۲	۰,۰۷	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیر معیارهای عامل سیاستی، نهادی و قانونی
۰,۰۴	۰,۰۶	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیر معیارهای عامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی
۰,۰۱	۰,۰۴	ماتریس تجمیع شده مقایسات زوجی زیر معیارهای عامل

تسهیلات کسب و کار	
۰,۰۱	۰,۰۸
۰,۰۹	۰,۱۰
۰,۰۲	۰,۰۷
۰,۰۵	۰,۱۰
۰,۰۳	۰,۰۶

برای محاسبه‌ی وزن نهایی هر یک از زیرمعیارها که نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها بر اساس نظر خبرگان است، لازم است اوزان زیر معیارهای سطح سوم را در وزن معیار مربوط به خود در سطح دوم، ضرب کنیم. جدول شماره‌ی ۳ وزن معیارهای سطح دوم (نسبت به سطح هدف) و وزن زیر معیارهای سطح سوم و وزن نهایی هر یک از زیر معیارها را نشان می‌دهد.

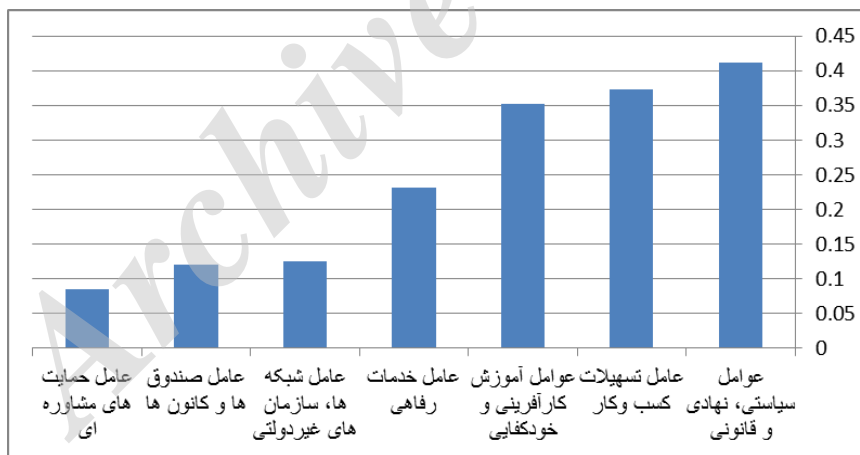
جدول ۳- وزن نسبی و نهایی معیارها و زیرمعیارها

معیار	وزن	زیرمعیار	وزن محلی	وزن نهایی
عوامل سیاستی، نهادی و قانونی	۰,۴۱۲	بیمه تأمین اجتماعی کسب و کارهای خانگی، صنایع دستی و...	۰,۳۰۱	۰,۱۲۴۰۱۲
		حمایت از خود اشتغالی زنان سرپرست خانوار	۰,۰۵۹	۰,۰۲۴۳۰۸
عوامل	۰,۴۱۲	بیمه زنان سرپرست خانوار با حمایت سازمان‌های بیمه ای	۰,۳۹۵	۰,۱۶۲۷۴
		تصویب قوانین حمایتی و تسهیل کننده برای زنان سرپرست خانوار	۰,۱۲۶	۰,۰۵۱۹۱۲
		ساماندهی وضعیت اشتغال و بازار کار زنان سرپرست خانوار	۰,۲۰۳	۰,۰۸۳۶۳۶
عوامل	۰,۴۱۲	توسعه‌ی میزان مشارکت زنان در مدیریت محله و منطقه	۰,۲۸۵	۰,۱۱۷۴۲
		پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه در زنان سرپرست خانوار	۰,۲۷۵	۰,۰۹۶۸

آموزش کارآفرینی و خودکفایی	۰,۳۵۲	پرورش مهارت راه اندازی موسسات جدید در زنان سرپرست خانوار تقویت روحیه‌ی خود باوری و گسترش فرهنگ کار در زنان سرپرست خانوار تغییر نگرش نسبت به بازار کار و کارآفرینی در زنان سرپرست خانوار آموزش مهارت‌های شغلی و ایجاد کسب و کار برای زنان سرپرست خانوار	۰,۳۴۸ ۰,۲۳۳ ۰,۱۶۷ ۰,۲۳۱	۰,۱۲۲۴۹۶ ۰,۰۸۲۰۱۶ ۰,۰۵۸۷۸۴ ۰,۰۸۶۱۶۳
عامل تسهیلات کسب و کار	۰,۳۷۳	مشاوره‌ی تخصصی قبل و در حین ایجاد کسب و کار و در فرآیند کارآفرینی اجتماعی در زنان سرپرست خانوار سیاست‌گذاری و حمایت از توسعه‌ی مشاغل خانگی و خانوادگی ارائه‌ی تسهیلات اشتغال به زنان سرپرست خانوار برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی حمایت از زنان سرپرست خانوار در تأمین فضای کسب و کار بازارچه خیریه محصولات کمیته امداد پشتیبانی فروش محصولات و صنایع دستی پشتیبانی و خدمات بازاریابی محصولات برای اشتغال شناسایی استعدادهای بالقوه برای کارآفرینی اجتماعی و هدایت آن مشارکت خیرین برای کمک به توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار	۰,۲۹۷ ۰,۱۱۸ ۰,۳۶۵ ۰,۲۰۱ ۰,۱۵۸ ۰,۱۲۰ ۰,۴۱۳ ۰,۵۴۹ ۰,۰۴۹	۰,۱۱۰۷۸۱ ۰,۰۴۴۰۱۴ ۰,۱۳۶۱۴۵ ۰,۰۷۴۹۷۳ ۰,۰۵۸۹۳۴ ۰,۰۴۴۷۶ ۰,۱۵۴۰۴۹ ۰,۰۶۸۶۲۵ ۰,۰۰۶۱۲۵
عامل شبکه‌ها، سازمان های غیردولتی	۰,۱۲۵	ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های کسب و کار برای زنان سرپرست خانوار فرهنگ سازی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار برگزاری جلسات هم‌اندیشی در محلات همکاری کارآفرینان اجتماعی با سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های غیردولتی محلی ایجاد نظام‌های یکپارچه برای به کارگیری ظرفیت‌های سرمایه‌های اجتماعی در مناطق شهری برای زنان	۰,۲۵۹ ۰,۱۶۲ ۰,۱۵۰ ۰,۰۸۵ ۰,۱۲۴	۰,۰۳۲۳۷۵ ۰,۰۲۰۲۵ ۰,۰۱۸۷۵ ۰,۰۱۰۶۲۵ ۰,۰۱۵۵
عامل صندوق ها و کانون‌ها عامل	۰,۱۲۱	کانون‌های خیرین محلات و شبکه‌های نیکوکاری ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه در محلات برای زنان سرپرست خانوار ایجاد شبکه‌های محلی برای استفاده‌ی زنان سرپرست خانوار ایجاد و تقویت مراکز مشاوره‌ای برای زنان سرپرست خانوار	۰,۳۱۲ ۰,۱۰۸ ۰,۲۲۱ ۰,۱۲۷	۰,۰۳۷۷۵۲ ۰,۰۱۳۰۶۸ ۰,۰۲۶۷۴۱ ۰,۰۱۰۷۹۵

حمایت‌های مشاوره‌ای	۰,۰۸۵	ایجاد واحدهای پژوهش به منظور توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه زنان سرپرست خانوار	۰,۲۴۸	۰,۰۲۱۰۸
مشاوره‌ای		شناسایی فرصت‌های کارآفرینی اجتماعی با کمک دولت برای زنان	۰,۳۱۲	۰,۰۲۶۵۲
عامل خدمات رفاهی	۰,۲۳۱	تأمین منابع دانش و ظرفیت سازی	۰,۳۰۱	۰,۰۲۵۵۸۵
		برگزاری کلاس‌های آموزشی	۰,۲۸۵	۰,۰۶۵۸۳۵
		خدمات بهداشتی و درمانی	۰,۱۰۸	۰,۰۲۴۹۴۸
		پرداخت‌های غیرنقدی و نقدی	۰,۰۹۸	۰,۰۲۲۶۳۸
		پرداخت مستمری	۰,۴۲۳	۰,۰۹۷۷۱۳
		به سازی و نوسازی منازل مسکونی	۰,۳۱۰	۰,۰۴۸۵۱

با توجه به اوزان نهایی معیارها و زیرمعیارها (جدول شماره‌ی ۴) می‌توان استراتژی‌های توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار را اولویت‌بندی نمود. شکل شماره‌ی ۲ و ۳، نمودار میله‌ای اوزان نهایی مربوط به معیارها و زیر معیارها را نشان می‌دهد.



شکل ۲- نمودار اوزان نهایی معیارها

در این تحقیق، عامل تسهیلات کسب و کار بعد از عوامل سیاستی، قانونی و نهادی در رتبه‌ی دوم عوامل توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی قرار دارد که مطابق با یافته‌های مرجانی و صدری (Marjani & Sadri, 2014)، عباس پور (Abbaspour, 2013)، آراستی و همکاران (Arasti et al., 2013)، طباطبایی و حسینیان (Tabatabaei & Hosseinian, 2005)، کاندید و همکاران (Candida et al., 2017) و اربانو و همکاران (Urbano et al., 2010) است. یکی از دلایل اصلی این-که علیرغم سرمایه‌گذاری‌ها و تبلیغات انجام شده در زمینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی بازهم از اهداف پیش‌بینی محقق نمی‌شوند، عدم وجود زنجیره‌ی ارتباطی و حمایتی و تسهیلات مناسب بین تبدیل ایده‌های علمی-تحقیقاتی به واقعیت‌های اقتصادی قابل عرضه در بازار می‌باشد. ارائه‌ی تسهیلات اشتغال به زنان سرپرست خانوار برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی به عنوان یکی از زیرمعیارهای عامل تسهیلات کسب و کار در رتبه‌ی دوم زیر معیارها قرار دارد.

بعد از عوامل سیاستی، نهادی و قانونی و عامل تسهیلات کسب و کار، عوامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی در رتبه‌ی سوم قرار دارد و مطابق با یافته‌های رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2013) و مارین و همکاران (Marian et al., 2016) است. عامل خدمات رفاهی در رتبه‌ی چهارم قرار دارد و مطابق با یافته‌های عباس پور (Abbaspour, 2013)، یادگار و همکاران (Yadegar et al., 2011) و کتابی و همکاران (Ktabi et al., 2003) است. پرورش مهارت راه اندازی مؤسسات جدید در زنان سرپرست خانوار، زیر معیار عوامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی است که در این تحقیق، از میان ۳۷ زیر معیار، رتبه‌ی سوم را به خود اختصاص داده است. واضح است که آموزش کارآفرینی و خودکفایی بدون توجه به پرورش و توانمندسازی مهارت راه اندازی مؤسسات جدید برای زنان سرپرست خانوار امکان پذیر نمی‌باشد.

عامل شبکه‌ها، سازمان‌های غیردولتی در رتبه‌ی پنجم و مطابق با یافته‌های ترابی مؤمن و همکاران (Torabi Momen et al., 2017) و آراستی و ملکی کرم آباد (Arasti & Maleki Karamabad, 2014) است. عامل صندوق‌ها و کانون‌ها در رتبه‌ی ششم و مطابق با یافته‌های عباس پور (Abbaspour, 2013) و مرجانی و صدری (Marjani & Sadri, 2014) است و عامل حمایت‌های مشاوره‌ای در رتبه‌ی هفتم و با یافته‌های توفیقیان فر و همکاران (Tofighian Far et al., 2016) هم خواناست.

در نهایت این‌که نتایج این پژوهش می‌تواند به مؤسسات خیریه، کمیته‌ی امداد، مؤسسات مردم نهادها، NGOها و مؤسساتی که به نحوی در زمینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار فعالیت می‌کنند مدنظر قرار گیرد، و هم‌چنین اولویت این عوامل کمک کند. به عبارتی این مؤسسات می‌توانند از یافته‌های این مطالعه، به منظور تصمیم بهتر و مؤثرتر در توسعه-

ی کارآفرینی اجتماعی استفاده نمایند و قبل از شروع فعالیت در زمینه توسعه کارآفرینی اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار به کلیه مسائل و عوامل دخیل توجه داشته باشند. براساس یافته‌های تحقیق پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می شود:

- با توجه به این که عوامل سیاستی، نهادی و قانونی از دیدگاه خبرگان در رتبه اول عوامل توسعه کارآفرینی اجتماعی در زنان سرپرست خانوار قرار گرفته، پیشنهاد می شود سیاستگذاران برای زنان سرپرست خانوار برنامه‌های حمایتی از جمله ایجاد تسهیلات برای دسترسی آسان تر به خدمات مالی و تسهیلاتی برای توسعه کسب و کار و صادرات محصولات ارائه کنند.
 - مسئولان مربوطه در تشکیل نهادهای مدنی در حوزه زنان سرپرست خانوار تسهیل‌گری و شبکه‌سازی کنند و از کارآفرینان بخش خصوصی برای تیم سازی برای زنان سرپرست خانوار استفاده نمایند.
 - تأسیس مراکز حرفه ای و شغلی برای فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی در زنان سرپرست خانوار و ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی برای آنان.
 - به منظور آشنایی زنان سرپرست خانوار با فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی پیشنهاد می‌گردد، دوره‌های کاربردی کارآفرینی و آشنایی با کارآفرینان اجتماعی از طرف کمیته امداد امام خمینی(ره) که مورد مطالعه‌ی این پژوهش است، صورت گیرد و آنان را تشویق به شرکت در این دوره‌ها و زمینه‌ی حضورشان را در فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی فراهم آورد.
- همچنین پژوهش‌های آتی در راستای نتایج این پژوهش در زمینه‌های زیر پیشنهاد می شود:
- مقایسه‌ی تطبیقی عوامل سیاستی، نهادی و قانونی تأثیرگذار بر فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار در سایر کشورها
 - مطالعه‌ی موانع توسعه کارآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی زنان سرپرست خانوار در استان زاهدان

References

- Abbaspour, A. (2013). Identifying and Prioritizing Social Entrepreneurship Development Strategies to Improve Women's Empowerment Covered by the Imam Khomeini Relief Committee of Zahedan City. Master's Degree in Public Procurement Entrepreneurship Management, Zahedan, Faculty of Management And Economics, Sistan and Baluchestan University. [Persian]

- Afshani, S. A.& Fatehi, E. (2016). The Capacity of Female Heads of Households and Related Social and Cultural Factors: Study of Women Covered by the Imam Khomeini Committee of Tabriz City. *Journal of Women and Society*, 7(3). [Persian]
- Ahmadpour Daryani, M. & Faeiz, D. (2001). The role of government in the development of entrepreneurship education in the country. *Journal Of Management*, 55-56. [Persian]
- Ahmadpour, M. (2003). Investigating the Status of Female Heads of Households in Iran, Tehran: Entrepreneurship Development Publications. [Persian]
- Arasti, Z.& Maleki Karamabad, M. (2014). Official and informal institutional factors influencing the implementation of social entrepreneurship by women. *Journal of Social-Psychological Studies of Women*, 12(1), 118-97. [Persian]
- Arasti, Z., Zarei, H.& Didehvar, F. (2013). Reviewing the Regulatory Policies of Social Entrepreneurship Development with Adaptive Approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2), 195-214. [Persian]
- Arias, E.& Palloni, A. (1996). Prevalence and patterns of femaleheaded households in Latin America. CDE-Working paper 96-14, Madison WI: University of Wisconsin, Center for Demography and Ecology.
- Atardiyani, A.(2013). Investigating the Opportunities and Challenges of Government Policy Planning in the Entrepreneurship Entrepreneurship. National Conference on Entrepreneurial University, Knowledge-based Industry of Mazandaran University. [Persian]
- Austin, J., Stevenson. H., Wei-Skillern, J& Leonard. H. (2007). *Entrepreneurship in the Social Sector*. SAGE Publication,(10).
- Azar, A. & Faraji,H. (2010). *Fuzzy Management Science*, Fourth Edition, Tehran: Mehraban Publications. [Persian]
- Benevento, J. M. (1998). *Proyectos de Fomento (PROFOS); Una Experience Asociativa en Chile*. Working Paper, CORFO.
- Candida,B.,Abdul,A.,Donna,K.& Patrica,G.(2017). The influence of human capital factors and context on women's entrepreneurship: Which matters more?.*Journal Of Business Venturing Insights*,8,105-113.
- Chia,L.,Albert,E.& Rocío,T.(2017). Female-Headed Households and Living Conditions in Latin America.*World Development*, 90, 311-328.
- Erick,F & Solana,O.(2014). Public Private Not-For-Profit Patnerships:Delivering Public Services to Developing Countries, *Journal of Humanitarian Technology:Science,Systems and Global Impact*2014, 78, 259-264.
- Fadaei, R. (2013). Evaluation of Enactment-Related Laws in Iran with Emphasis on the Role of Governments in Entrepreneurship. National Conference on Entrepreneurial University, Knowledge-based Industries of Mazandaran University. [Persian]
- Ferri,E &Urbano,D.(2011). Social entrepreneurship and environmention factors :a cross-country comparision.*International Doctorate in Entrepreneurship and Business Management Department of Business Economics & Administration*.
- Hill ,T.L., Kothari ,T.H & Shea, M.(2010). Patterns of meaning in the social entrepreneurship literature: a research platform. *Journal of Social Entrepreneurship*, 1 (1) , 5-31.

- Jazini, H. & Babaye Nejad, A. (2014). Investigating the Role of Government in the Development and Management of Entrepreneurship in the Country. Third Conference on Modern Management Science. [Persian]
- Johnson, R.B & Onwuegbuzie, A.J.(2004). Mixed methods research: A research paradigm whose time has come. *Educational research*, 33(7), 14–26.
- Ktabi, M., Yazdkhasti, B. & Farokhi Rastabi, Z. (2003). Empowering Women to Participate in Development. *Journal of Women's Research*, 3(7), 5-30. [Persian]
- Lasprogata ,G.A & Cotton ,M.N.(2003). Contemplating enterprise: the business and legal challenges of social entrepreneurship. *American Business Law Journal*, 41 (1) , 67–113.
- Le Roy, S. (2004). welfare and poverty: family matters, *Fraser forum*, New Zealand .
- Lisetchi,M &Branca, l.(2014). The entrepreneurship concept as a subject of social innovation. *Procedia – social and Behavioral sciences*,124,87-92.
- Mair ,J& Martí,I.(2006). Social entrepreneurship research: a source of explanation, prediction and delight. *Journal of World Business*, 41 (1) , 36–44.
- Mair, J & Noboa, E.(2003). Social entrepreneurship: how intentions to create a social enterprise get formed. Barcelona: IESE Business School Working , 521.
- Marian,H., Zuzana,J.& Zuzana,K.(2016). Drivers of Women Entrepreneurship in Visegrad Countries: GEM Evidence.*Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 220, 124-133.
- Marjani, T. & Sadri, S. S. (2014). Developing Social Entrepreneurship; Damage, Effective Factors and Solutions. *Journal of Management of Organizational Culture*, 12(2), 297-277. [Persian]
- Martin ,R.L& Osberg. S.(2007). Social entrepreneurship: the case for definition. *Stanford Social Innovation Review*, 29–39 .
- Miltu Salazar, JR et al. (2001). Introduction to Entrepreneurship. Translation by Siamak Nutagh, Productivity Organization of Iran, Tehran: Kuhsar Publishing. [Persian]
- Mohammadi, Z. & Lashgarara, F. (2013). The Role of Entrepreneurship Education in Empowerment of Rural Entrepreneurial Women in Ilam Province. *Journal of Agricultural Research Promotion and Education*, 6(2). [Persian]
- Momeni Zadeh, N. (2014). Comparative Analysis of Female Heads of Households. *Journal of Economics*, 3 & 4, 120-95. [Persian]
- Mort ,G.S., Weerawardena, J& Carnegie. K.(2003).Social entrepreneurship: towards conceptualization. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 8 (3) ,76–88.
- Moyedfar, S. & Hamidi, N. (2007). Female Head of Household: Non-Communicating and Social Damage. *Journal of Social Sciences*, 32. [Persian]
- Namjouyan Shirazi, Z. (2014). The Rural Women's Microfinance Trends in the Development of Entrepreneurship and Small Businesses. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 1(3). [Persian]
- Narayan ,D.(2001). Consultations with the poor from a health perspective. *World Development*, 44(1), 15-21.
- Nazoktabar, H & NamdarAliabadi A.(2011). Analysis of the femaleheaded households' situation. A case study of femaleheaded households in Iran. *International Conference on Social Science and Humanity*,5 ,1- 427.

- Padash, H. & Nikonesbati, A. (2011). The role of institutions in entrepreneurship development. two quarterly programs and budgets, 106. [Persian]
- Peredo ,A.M &McLean, M.(2006). Social entrepreneurship: a critical review of the concept. *Journal of World Business*, 41 (1) , 56-65.
- Rezaei, M. A., Mohammadniya, N. & Samiyazadeh Tusi, T. (2013). Surveying the Problems of Female Heads of the Family in the Province of Sistan and Baluchestan in 2010. *Journal of Research and Health*, 3(3), 457-452. [Persian]
- Rezaei, R., Karimi, A., Miri Karami, F.& Safa, L. (2012). Studying the educational needs of undergraduate agricultural students in entrepreneurship .*Journal of Entrepreneurship Development*, 5(3). [Persian]
- Ribes-Giner,G.,Moya-Clemente,I.,R.Cervelló-Royo,R.&M.R.Perello-Marin,M.R.(2018). Domestic economic and social conditions empowering female entrepreneurship.*Journal of Business Research*, 89, 182-189.
- Seyyedi, T.& Khani, A. (2011). Barriers to Entrepreneurship Development and the Role of Government in Entrepreneurship Facilitation. *Journal of Economics, Work and Society*, 135. [Persian]
- Shahandeh, Kh., Mohammad Beygi, Z. & Jamshidi, A. (2006). Formation of self-help groups of women headed by households in Tehran's 17th district, a step toward empowerment of women, Shahrekord University of Sciences. Special Issue for Demographic Research, 36-31. [Persian]
- Sharifi, M. A., Asadi, A., Kalantari, Kh. & Agahi, H. (2010). Determining the Effective Factors in the Self-Sufficiency Survey of Female Heads of Households Case Study: Kurdistan Province. *Social Studies, Women Psychology*, 8(4), 141 -121. [Persian]
- Short ,J.C., Moss .T.W & Lumpkin,G.T.(2009). Research in social entrepreneurship: past contributions and future opportunities. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 3 (2) ,161-194.
- Tabatabaei ,Sh. & Hosseinian, S. (2005). Empowering female head of household through group counseling, awareness raising and entrepreneurship.*Quarterly Journal of Family Studies*, 1(4). [Persian]
- Tavakoli Moghadam, R., Iani, S., & Amozadeh Khalili, H. (2008). Investigating the Effective Factors in Entrepreneurship Education and Solutions to Barriers. *Work and Society Monthly*,. 102. [Persian]
- Tofighian Far, A. H., Azizi, J., Sayfour, B., Behjati Asl, F.&Qayed Goyy, F (2016). The Relationship between Self-Sufficiency Plans of the Imam Khomeini Committee and the Empowerment of Female Heads of Households (Case Study: Kohkilouyeh and Boyerahmad Province). *Journal of Women and Society*, 7(2). [Persian]
- Torabi Momen, E., Rahb, Gh., AliPour, F & Biglarian, A. (2017). The Effectiveness of Group Social Work Intervention with Development Approach on Psychosocial Empowerment of Female Heads of Households. *Journal of Rehabilitation*, 18(3). [Persian]
- Urbano,D., Toledano,n & Soriano,D.(2010). Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain. *Journal of social entrepreneurship*,1(1), 54-69.

-Wiguna ,A &Manzilati,A.(2014). Socil entrepreneurship and socio –entreperneurship : A study with economic and social perspective.The 5th Indonesia International Conference on innovation Entreperneurship , and Small business, Procedia – social and Behavioral sciences,115,12-18.

-Yadegar,N., Bazargan,A. & Faqih, N. (2011). The Process of Creating Social Entrepreneurial Initiatives: A Model Based on the Theory of Data. . Journal of Entrepreneurship Development, 4(13), 7-29. [Persian]

-Zanjirchi, M.(2011). The Process of Fuzzy Analytical Hierarchy. Tehran: Sanei Shahmirzadi Publications. [Persian]

Archive of SID